دوفصلنامه علمی ـ تخصصی گفتمان فقه تربیتی
سال چهاردهم/ شماره ۲۴/ پاییز و زمستان ۱۴۰۱

Two quaterly scientific- specified educational jurisprudences association
Years, 14 No.24, Autumn & Winter 2022-23

روش‌های تربیت دینی فرزند در سیره امام علی (ع)

□ محمد الله مسلمی *

چکیده

زندگی دو نوع است؛ یکی زندگی به معنای واقعی که حاصل آن سرمایه زندگی اُخروی را تشکل می‌دهد، یکی زندگی به معنای ادامه حیات مادی است. زندگی به معنایی اول یک نعمتی است با ارزش که مختص انسان‌های معتقد است. این زندگی توأم با عقیده بوده غیر از زندگی حیوانی که به‌معنای ادامه حیات است. در زندگی عقدتی لابد از نصب العین است، برای رفتار یک نمونه و الگو می‌خواهد. این مقاله پیرامون معرفی یک الگو و اسوه زندگی از بهترین شخصیت‌های جهان هستی است؛ که حضرت زهرا سلام الله باشد.

روش تحقیق در این مقاله به شکل کتاب خانه‌ای بوده جمع آوری مطالب سپس تحلیل و پردازش مطالب.ترویج زنگی عقیدتی که به منزله روح انسانیت و دمیدن حیات بر کالبد جامعه بشری است؛ هر چند راه‌ها و روش‌های زیادی می‌توان داشته باشد. یکی از بهترین روش‌ها الگوبرداری از انسان‌های ساخته شده است؛ که در این نوشتار به طوری صحح معرفی گردیده است. دست آورد این تحقیق تلفیق زندگی معنوی و حیات مادی باروش جدید در الگوبرداری از سیره حضرت زهرا(ص) می‌باشد.

کلید واژه: زندگِی، الگو و اسوه، سبک، تربیت.

---

* دانش پژوه دکترای فقه تربیتی جامعة المصطفی ﷺ العالمیة

مقدمه:

انسان موجود ترقی خواه و پویا است، که خلاقیت آفرینندگی و نوآوری از ویژگی اوست؛ از این رو همواره به دنبال موفقیت و بالندگی در زندگی می‌باشد و برای شکوفا نمودن استعدادها و رسیدن به آرمان‌های خود از هیچ کوششی دریغ نکرده و سعی می‌کند از توانمندی‌های خود به بهترین وجه استفاده نماید. تا به هدف برسد. تمام موفقیت‌های مادی و معنوی انسان در گرو اندیشه‌های دین باور، پویا و مؤثر است. همچنین تمام افراد از استعدادهای مختلف برخوردارند. این امر موجب می‌شود افراد استعدادهای خود را در راه نو آوری به کار گیرند. بررسی اهداف تعلیم و تربیت اسلامی نشان می‌دهد مهمترین نیاز هر جامعه الهی، تربیت افراد متدین است، که با اتکا به نیروی ایمان اراده، تعقل، منطق میسر می‌گردد. طبیعی است افراد متدین به جای وابستگی به دستاوردهای اقتصادی و فرهنگی دیگران خود مولّد دانش و فن‌آوری برای زندگی مستقل در عصر ایمان می‌باشد.

از سوی، در عصر گسترش اطلاعات و ارتباطات مسأله‌ای که بیش از هر چیز توجه اولیاء و مربیان را به خود معطوف داشته است چگونگی تربیت دینی و پرورش نیروی نوآور و شکوفایی استعدادهای انسان‌ها به ویژه کودکان و نوجوانان است. بنابراین سؤالی که مطرح است اینکه از چه روش‌های می‌توان برای تربیت دینی فرزندان استفاده کرد. نوشتار حاضر بر آن است روش‌های تربیت دینی فرزند را در سیره امام علی (ع) بررسی نماید. چه اینکه مطالعه در سیره تربیتی امام علی (ع) و دیگر معصومان (ع) ما را دردستیابی به اصول و روش‌های نوین تربیتی کمک می‌کند. بنابراین مطالب این مقال شامل مفهوم شناسی و مهمترین روش‌های تربیتی در سیره امام علی (ع) می‌باشد.

مفاهیم

روش

روش(الطريقة، Methode): مجموعه اموري كه انسان را براي رسيدن به هدف وانجام كار مورد نظر به صورت روشمند كمك مي‌كند. روش مفهوم راهبردي است، كه نحوه عمل را ترسيم مي‌كند و مراحل و چگونگي پيمودن آن‌ها را براي رسيدن به هدف‌هاي مورد نظر معلوم مي‌كند.

روش به شيوه واسلوب، Procede نيز اطلاق می‌گردد برای مثال شيوه‌هاي آموزشي، نمونه‌هاي رفتاري است، كه عمل و پاي بندي به آن‌ها موجب تحقق طرح‌هاي راهبردي آموزشي(روشها) مي‌شود. شيوه‌ها انواعي دارد: شيوه‌هاي عام وشيوه‌هاي خاص. فن(الفن، Technigue): ابزار و وسيله‌اي است كه به كمك آن شيوه آموزشي اعمال واجرا مي‌شود تا در نهايت روش آموزشي در چهارچوب رويكرد خاص به غايات خود برسد.(جمعی از مؤلفان، ۱۳۹۳ ص۲۶۷).

تربیت

تربيت از نظر لغوی به معانی پرورانيدن، پروردن، آموختن، تأديب و سياست ، ترقی و برتری و احسان و تفقد نسبت به شاگرد و ديگر زيردستان به‌كار رفته است(دهخدا، ۱۳۷۳، ص۵۷۷۶) .تربيت معادل واژه EducatioK» در زبان لاتين است و ازدو ريشه «LEducar »به معناي تغذيه وخوراك و «Educere »به معناي بيرون كشيدن(فرهيختن) و رهنمودن به چيزي و در يک نگاه پرورش است. بطور كلی از اين دو معناي غذا دادن و پرورش استنباط مي‌شود.(گاستون ميالاره، ۱۳۷۵ص۱) لفظ تربيت در زبان فارسي به معاني ذيل به كار رفته است: پروراندن، آداب واخلاق را به كسي آموختن، پروردن كودك تا هنگام بالغ شدن(دهخدا، ۱۳۷۲ ص۷۶ ۵۷). تربيت به معنای بر آمدگی نيز آمده است ابن فارس می‌گويد:« عرب زبانان به تپه «رَبوَه» می‌گويند، چرا كه نسبت به سطح زمين برآمده‌تر است. نفس زدن را «ربو» می‌گويند چرا كه به هنگام نفس كشيدن سينه برآمده می‌شود(ابن فارس،

بی تاص ۴۸۳) «ربا» را بدین نام نهاده‌اند از آن روی که بر مال، افزوده می‌شود. (فراهیدی بی‌تا ، ص ۲۸۴)

تربیت در اصطلاح

برای تربیت در اصطلاح عبارات زیر قابل ملاحظه است:

«انتخاب رفتار وگفتار مناسب،ایجاد شرایط وعوامل لازم به شخص مورد تربیت، تا بتواند استعدادهاي نهفته اش را در تمام ابعاد وجود وبطور هماهنگ پرورش داده، شکوفا سازد و به سوي هدف وکمال مطلوب تدریجا حرکت کند» (اميني، ۱۳۹۶ ص۱۲)

« تربیت، فعالیتي است هدفمند ودو سویه میان مربي ومتربي به منظور کمك بـه متربـي درجهت شکوفایي قابلیت‌ها واسـتعدادهاي وي و پـرورش شخصـیت وي در ابعـاد فـردي، اجتماعي، اخلاقي، عقلاني، عاطفي، جسماني.» (بناری، ۱۳۸۳، ص ۷۹).

«بیضاوی، تربیت را «به کمال رساندن و ارزنده ساختن انـدک انـدک هـر چیـز» دانسـته است ».(بیضاوی، ۱۴۰۸ق. ص ۱۰)

از نظـر شـهید مطهـری، تربیـت عبـارت اسـت از «پـرورش دادن؛ یعنـی اسـتعدادهای درونی‌ای را که بالقوه در یـک شـیء موجـود اسـت، بـه فعلیـت درآوردن و ایجـاد تعـادل و هماهنگی میان آنها تا از این راه متربی به حد اعلای کمال خـود برسـد.(مطهری، ۱۳۸۳ش. ص ۴۳).

تعریف مختار

تربیت فرایندی است منظم، هدفمند، مستمر که به منظور زمینه سازی رشد همـه جانبـه متربی انجام می گیرد بگونه‌ای که خود متربی با اراده واختیـار خـویش مسـیر تکامـل مـادی ومعنوی را پیموده به هدف نهایی که همان رب الی اللـه اسـت نایـل گردد.سـخن جـامع در تعریف اصطلاحی تربیت در نزد اندیشمندان اسلامی، به فعلیت رساندن استعدادهای ذاتـی است که خدا در انسان به ودیعت نهاده و با استفاده از عقل و نقل می‌توان آن‌ها را از بالقوه به بالفعل تبدیل و نمایان کرد.

دین

این واژه مرکب از:«دال، یاء ونون همگی اصل واحدی هستند که تمام مشتقات این ماده به آن بر می‌گردد و این اصل از جنس فرمانبرداری و فروتنی است(ابن فارس، ۱۴۰۴ ق ص ۳۱۹) همچنین به معنای آیین، کیش، راه، روش و اسلام آمده است(خداپرستی، ۱۳۷۶ ص ۲۰۱) علی اکبر دهخدا، دین را به معنای ملت، کیش، طریقت، شریعت، پاداش، حساب و اسلام دانسته است(دهخدا بی تا ص ۱۰۰۴۲) دین به معانی اطاعت، جزا، تعبد، حکم، انقیاد، ذُلّ و حساب آمده است(مصطفوی ۱۳۶۰ص ۲۸۸ ـ ۲۹۲).

در کاربردهای قرآنی نیز دین به معانی مختلف از جمله جزا، حساب ، قانون، شریعت، طاعت، بندگی، تسلیم، انقیاد، اسلام، روش، رویه، توحید وخدا پرستی آمده است(قرشی ۱۳۷۱ص۳۸۰-۳۸۱.) دین در لغت به معانی عبادت، انقیاد، خضوع، فرمانبرداری، اطاعت، تسلیم، جزا و مکافات، شریعت، ملک، اسلام، توحید، ورع، حکم و سیره، عادت و شأن، ذلت، قهر و غلبه و استعلاء، رفعت و سلطان، حساب، معصیت، رسم و قانون، آمده است.(ابن منظور ۱۴۰۵ق صص۱۷۱).

دین در حقیقت، همان اسلام است واسلام يعني تسليم شدن در برابر بياني است كه از مقام ربوبي درمورد عقايد واعمال و يا در خصوص معارف و احكام صادر مي‌شود. زيرا انقياد در قبال اعتقاد واقعي و اطاعت در مقام عمل به احكام الهي، درهمه اديان آسماني مبناي دينداري تلقي مي‌شود. (طباطبائي بی تا ص ۱۸۸.)

دین در اصطلاح، به معنای مجموعه عقاید، اخلاق، قوانین و مقرراتی است که برای اداره امور جامعه انسانی و پرورش انسان‌ها باشد.(جعفری ۱۳۷۵ :ص ۱۷). علامه محمدتقی جعفری، دین را مجموعه‌ای از هست ها و بایدهای مستند به خداوند می‌داند، که از طریق وحی و سنّت معصومین(ع) برای هدایت و کمال انسان‌ها ظهور یافته است. به عبارت دیگر، «دین، مجموعه‌ای از هدایت‌های عملی و علمی است، که از طریق وحی و سنت برای رستگاری آدمی در دنیا و آخرت آمده است(جوادی آملی ۱۳۷۳ :ص ۹۳).

الگو

الگو در لغت به معنای طرح، سرمشق، نمونه، مثال، مدل و غیره آمده است؛ اما در اصطلاح و در علوم گوناگون به معانی متفاوت و البته نزدیک به هم آمده است. در حوزه تعلیم و تربیت، معنای اصطلاحی الگو کاملا با معنای لغوی آن تطابق دارد و به طرح و نمونه یا مدلی ازشکل یا اشیا یا موردی از رفتار اطلاق می‌شود. (حسینی نسب و اقدم، ۱۳۶۸ ص ۶۳۲)

الگو به کسی اطلاق می‌شود که به دلیل دارا بودن برخی خصوصیات، شایسته تقلید و پیروی است. در روان شناسی اجتماعی، مدل به کسی گفته می‌شود که کودکان رفتارش ر اتقلیدکنند(ساروخانی، ۱۳۷۵، ص۲۳).

از الگو در عربی به «اُسوه» و «قدوه» تعبیر می‌شود، از این رو، برای بررسی مفهوم الگو در متون دینی، باید از این دو واژه بهره بگیریم. اُسوه و اِسوه از ریشه اَسا أس است که در حالت اسمی به معنی قدوه و الگو و در حالت مصدری، به معنی حالت پیروی کردن آمده است.(ساروخانی، همان، ۱۳۸۰ ص ۶۴۰)

سیره

سیره بر وزن «فعله» اسم مصدر از فعل «سارَ – یسیرُ» است، که در ادبیات و لغت، مصادر گوناگونی برای آن آمده است: «سَیر، مَسیر، تَسْیار، مَسیره و سَیرورَه». این مصادر همه به معنای رفتن، جریان داشتن و در حرکت بودن به کار رفته‌اند(زبیدی، بی‌تا ص۵۴؛). بر این اساس، بسیاری نیز واژه «سیره» را به نوع حرکت و شیوه جریان داشتن و یا به عبارتی نوع سبک و شیوه رفتار وکردار تعریف کرده‌اند(ابن فارس، ۱۴۱۱ق ص ۱۲۰-۱۲۱). «سیره» اصلی است که دلالت بر گذشت و جریان دارد از «سار، یسیر، سیراً» و «سیر» به معنای سیر در روز و شب است. «سیره» روش در چیزی و به معنای سنت است؛ زیرا حرکت می‌کند و جریان می‌یابد(ابن فارس ، ۱۴۱۱ق ص۱۲۰)سیره به طریقه، هیئت و حالت نیز معنا شده است(طریحی، ۱۴۱۴ق، ذیل واژه سیره)

سیره به معنای حرکت یا رفتاری است، که جهت خاص را پی می‌گیرد: «سیره» اسم از

سار است. سنت راه مذهب، هیئت و سیره به یک معنی هستند.(شرتوتی، ۱۳۷۴ش. ، ص۵۶۲)

سیره به معانی روش، طریقه، هیئت، حالت، عرف و عادت است. سیره متشرعه نیز عبارت است از روش عملی گروهی از مردم که این روش عملی برگرفته و ناشی از مسلمان ویا شیعه دوازده امامی آنان است(شهید اول، ۱۴۱۹ق. ص ۱۴۰)

روش‌های تربیتی در سیره امام علی «ع»

روش مودبانه

بین ادب وتربیت فرزند رابطه بر قرار است. در سیره تربیتی امام علی«ع» بر خورد مودبانه با فرزندان همواره مد نظر است. چنانچه فرموده است: «گرانبهاترین چیزی که‌پدران برای فرزندان شان به ارث می‌گذارند ، ادب است.(خوانساری، بی تا ص۴۳۸.). همچنین آن حضرت در منشور تربیتی خود به امام حسن مجتبی (ع) به این نکته توجه جدی داشته است:« فرزنددلبندم ! چون دیدم سالیانی را پشت‌سر نهاده و به سستی در افتاده‌ام ، بدین وصیت برای تو مبادرت نموده‌ام و خصلت‌هایی را درآن بر شمردم پیش از آنکه مرگ بشتابد و مرا دریابد و آنچه دراندیشه دارم به تو ناگفته ماند یا اندیشه‌ام همچون تنم نقصان بهم رساند یا پیش از نصیحت من پاره‌ای خواهش‌های نفسانی بر توغالب گردد، یا فریبندگی‌های دنیا تو را بفریبد و همچون شتری‌گریزان و نافرمان باشی. و به درستی که دل جوان همچون زمین‌ناکشته است ، هرچه درآن افکنند ، بپذیرد. پس به ادب آموختنت پرداختم پیش از آنکه دلت‌سخت‌شود و خردت هوایی دیگر گیرد(نهج البلاغه، نامه۳۱، ص۲۹۷) و درادامه ، می‌فرماید: «... چون به کارتو چونان پدری مهربان عنایت داشتم و بر ادب آموختنت همت گماشتم، چنان‌دیدم که این عنایت در عنفوان جوانی‌ات به کار رود و دربهار زندگانی که نیتی پاک داری و نفسی صاف و بی‌آلایش(همان)

و نیز فرموده است: مردم را با غیر زبان(یعنی عمل خود) به نیکی دعوت کنید. در جای دیگر امیرمؤمنان(ع) به روشنی بر این امر تأکید می ورزند: من نصب نفسه للناس اماماً فلیبدأ بتعلیم نفسه قبل تعلیم غیره، ولیکن تأدیبه بسیرته قبل تأدیبه بلسانه، و معلم نفسه و

مؤدبها أحق بالاجلال من معلم الناس و مؤدبهم(فیض الاسلام، نهج البلاغه، حکمت ۷۳).

.روش الگوئی

یکی از بهترین و کارآمد ترین روش‌های تربیتی روش الگوئی است، که مربوط به پـدر و مادر، معلم و مربّی می‌شود. فرزندان از رفتار و گفتار آن‌ها درس می‌گیرند، اگـر دارای رفتـار مطلوب باشند، سرمشق و الگوی خوبی‌ها قرار می‌گیرند. تأثیر شخصـیت الگوهـا در رفتـار کودکان ونوجوانان و تثبیت شخصیت کودکان در آینده پر واضع است، کودکان بخاطر ضعف درک و تشخیص از مسائل پیرامون، نیاز به سرمشق و الگو دارد و رفتار آدم‌های مطرح مشهور را سرمشق خود قرار می‌دهند. بنابراین والدین و مربّیان باید با معرفی الگوها و سرمشـق‌های مناسب به کودکان بکوشند تا آن ها دچار دنباله روی از افراد نا اهل نشوند. خداوند در قـرآن کریم پیامبر اکرم(ص) را بهترین الگو برای جهان بشریت معرفی می‌کند:«لقد کان لکـم فـی رسول الله اسوه حسنه لمن کان یرجوا الله و الیواالاخر و ذکر الله کثیرا» مسلما برای شـما در زندگی رسول خدا (ص) سرمشق نیکو اسـت. بـرای آنهـا کـه امیـد بـه رحمـت خـدا و روز رستاخیز دارند و خدا را بسیار یاد می کنند.) (سوره احزاب، آیه ۲۱)

روش موعظه

روش موعظه در تربیت اسلامی، یکی از موثرترین روشهای تربیتی است که در دل و جان انسان می نشیند.

موعظه به گفتار سنجیده و همراه با خیر خواهی، شفقت، نرمی، به موقع مربـی و متربـی می‌گویند که به منظور آگاهی دادن و دعوت به کارهای خیر و ثواب و یا راستی و درستی اداء می‌شود که چون از دل برخیزد بر دل نیز می‌نشیند؛ زیرا موعظه حسنه، غفلـت را مـی‌زدایـد، خشم و شهوت را فرو می‌نشاند به دل صفا، جلا و نرمی می‌بخشد و از جانبی آن اثری که در شنیدن است در خواندن مطالب نیست، چـون انسـان بـه گونـه ای سرشـته شـده اسـت کـه حرف‌های خیرخواهانه، عواطف او را تحت تأثیر قرار داده و به سمت انجام کار نیک تحریک و هدایت می کند.

ممکن است انسان بسیاری از حقایق را بداند، ولی به آنها توجه نداشته باشد و با یک تذکر اخلاقی و نصیحت دلسوزانه، تغییرات قابل توجه، در رفتار و اخلاق او بوجود بیاید. پس موعظه حسنه پدران، مادران و مربیان دلسوز است که حقایق را در قالب موعظه حسنه به فرزندان و افراد تحت تربیت خود می رساند.

پیشوایان دین(علیه السلام) با استفاده از این روش، اصحاب و پیروان خود را به خدا، معاد و حقوق اجتماعی و سایر امور آشنا می ساختند، زیرا ایشان با توجه به علاقه ای که نسبت به خوشبختی و سعادت مادی و معنوی انسان ها داشت، به جهت تهذیب اخلاق و راهنمایی انسان ها تلاش می کردند.

کارکردهای موعظه

امروزه هر گاه سخن از موعظه و نصیحت پیش می آید و پدر یا معلمی دلسوز درصدد نصیحت و موعظه کردن فرزند و دانش آموزش بر می آید، اولین چیزی که مطرح می شود این است که موعظه و نصیحت در مخاطبان تأثیری ندارد(بهشنی، ۱۳۹۳ ص۴۹) موعظه و نصیحت کردن باد در غربال بیختن و آب در هاون کوفتن است؛ برای تربیت باید روشهای دیگری را جست و جو کرد و به کار بست.

این تصورنه تنها در میان مردم، بلکه درمیان بسیاری از دست اندرکاران تعلیم و تربیت نیز رایج است(باقری، ۱۳۸۶ ، ص۱۴۷) به عنوان مثال، در مبانی تربیت دربارۀ موعظه آمده است: نباید مواعظ در تربیت دینی جایگاهی داشته باشند.

اما نگاهی گذرا به سیرۀ تربیتی معصومان(علیهم السلام) نشان می‌دهد که آنان از موعظه به عنوان یک روش تربیتی استفاده می‌کردند و این مواعظ نیز مؤثر واقع می شدند.

روش تربیت عاطفی

تربیت عاطفي امری اساسی و با اهمیت است .آنچنان که پرداختن به آن در تعلیم و تربیت، امری اجتناب ناپذیر است.اگر چه روانشناسان به نوبه خود و از منظر خویش به این مبحث نگریسته اند، در این پژوهش قصد داریم موضوع را از دیدگاه کتاب گران قدر نهج

البلاغه بررسی و واکاوی کنیم، بگونه‌ای که بتواند مورد استفاده ی دست اندرکاران تعلیم وتربیت قرار گیرد و منویات این کتاب گهربار و فرمایشات حضرت امیر«ع» چراغی فرا روی مربیان تعلیم وتربیت باشد.

در شکل‌گیری و تکوّن شخصیت و ویژگی‌های عاطفی، اخلاقی و رفتاری فرزندان، دو عامل وراثت و محیط دخالت دارند. در میان عوامل محیطی، تأثیرگذارترین عامل، خانواده است و در میان عوامل خانوادگی محوری‌ترین عامل، والدین هستند(پناهی، ۱۳۸۸. ص ۱۱۹-۱۴۲)

شایان ذکر است که :«والدین با نشان‌دادن دلبستگی خود به فرزند خویش شخصیت عاطفی کودک را می‌پرورانند و زمینه دلبستگی کودک را به آن‌ها فراهم می‌کند. این دلبستگی، روابط کودک را در جامعه بزرگ‌تر آینده، رقم می‌زند و کودک این رابطه با والدین را بعدها هم حفظ خواهد کرد تا رفتار خود را با والدین محبوبش تطبیق دهد. پس دلبستگی والدین به فرزند می‌تواند زمینه‌ی لازم برای تأثیر مثبت والدین بر فرزندان را فراهم کند و فرزندان را به‌سوی تطبیق رفتار خود با والدین تشویق و ترغیب کند(سپاه‌منصور، مژگان، و دیگران، ۱۳۸۷ش شماره ۱۵ ص۲۵۵،) گفتنی است که :«میل به محبت دیدن و محبت‌ورزی از گرایش‌های فطری انسانی بوده که فرد در هر دوره‌ای از زندگی، تحول و رشد به آن نیازمند است و باید از آغازین لحظات ورود به این جهان تا آخرین زمان وداع از این دنیا متناسب با دوره رشد خویش این نیاز عالی و اساسی تأمین شود(احمدی، شماره۴۸، ۱۳۸۰ ص۳۲، ۳۷)

از منظر روایات:« حق فرزندت بر تو آن است که بدانی او از تو است و رفتار نیک و بدش در این دنیا با تو پیوند دارد و تو به‌دلیل مسئولیت و ولایتی که بر او داری، موظفی که او را خوب تربیت کنی و به‌جانب پروردگارش رهنمون باشی و به او کمک کنی تا در ارتباط با تو و خودش، از خداوند فرمان برد و نیز توجه داشته باش که اگر او را به شایستگی تربیت کنی، پاداش آن را خواهی یافت و چنانچه در تربیت او سهل‌انگاری کنی مورد عقوبت خداوند قرار خواهی گرفت». والدین با ایجاد ارتباط عاطفی و دوستانه مبتنی بر این حقیقت فطری انسانی، ارتباط سیستمی متعالی در شبکه اعضای خانواده برقرار می‌کنند و محیط عاطفی مناسبی را برای فرزندان فراهم می‌آورند تا توانمندی‌هایی که در فطرت آن‌ها نهادینه شده

است به‌تدریج بروز و پرورش یافته و موجب برقراری ارتباط نیک با فرزندان، احترام و تکریم آنها، تقویت احساس ارزشمندی، رضایت، خشنودی و دیگر صفات برجسته عاطفی تربیتی در آنان شود(فقیهی، ۱۳۹۲. ص۱۸۱-۱۹۰)

در نگاه اسلام، عواطف ارزش مطلق ندارند، بلکه ارزش عواطف به تأثیرگذاری مثبت آ نها در فرآیند تقویت و زندگی است(نجفی وهمکاران ۱۳۹۴، ص ۷۷) حضرت عل«ع» درباره ی تأثیر عاطفه در رفتار انسانها و لزوم تربیت آن میفرماید:«به رگهای درونی انسان، پاره گوشتی آویخته که شگرف ترین اعضای درونی اوست و آن قلب است که چیزهایی از حکمت و چیزهای متفاوت با آن در او وجود دارد. پس اگر در دل امیدی پدید آید، طمع آن را خوار گرداند و اگر طمع بر آن هجوم آورد، حرص آن را تباه سازد و اگر به گشایشی برسد، دچار غفلت زدگی شود واگر مصیبت ناگواری به آن رسد، بی صبری رسوایش کند. پس هر گونه کندروی برای آن، زیان بار و هر گونه تندروی برای آن، فساد آفرین است(نهج البلاغه، حکمت ۱۰۸ص ۶۴۹)

روش تربیت دینی

تربیت دینی یعنی اینکه بر اساس آموزه‌های دینی فرزندان را آموزش بدهیم و مراد ما از تربیت دینی محدوده خاصی است، هر چند تربیت دینی به‌یک معنا بسیار عام و گسترده است و شامل همه ابعاد وجودی انسان می‌گردد اما در اینجا مراد ازتربیت دینی، مقابل تربیت‌اخلاقی، اجتماعی و سایر ابعاد است و عمدتا حوزه مربوط به عقاید و احکام عبادی از دین را شامل می‌گردد . تربیت دینی به این معنا در سیره تربیتی امام علی (ع) از اهمیت‌خاصی برخوردار است از منظر اسلام وامام علی «ع»یکی از بارزترین مصادیق تربیت دینی و بلکه مهمترین نمود آن در حوزه احکام، عبادات، نماز است. نماز بزرگترین فریضه الهی و پیش درآمد قبولی سایر اعمال و عبادات است. امام علی (ع) در طول‌عمر با برکتشان زیباترین جلوه‌ها را در نماز به‌نمایش گذاشتند ،او در حالت جنگ و صلح ، بیماری و سلامت، در خانه و مزرعه، بر مسند حکومت و خانه‌نشینی ۲۵ ساله و در همه حالات و

شرائط ، نماز مهمترین عمل او بود و فرزندان خود را بدان سفارش می‌نمود.

در وصیتی به امام حسن (ع) و تمامی خانواده و فرزندانش آنها رابه نماز سفارش کرده می‌فرماید : «از خدا بترسید، از خدابترسید درباره نماز زیرا که نماز بهترین کارها و ستون دین شماست(رسولی محلاتی، ۱۳۸۶ص۱۸۴)

او نه تنها خود و فرزندانش به نماز اهمیت می‌دادند که‌همه پیروان وشیعیان خود را به تعلیم نماز به فرزندان و سعی درتشویق آنان به مداومت بر آن ، فرا خوانده‌اند. آن حضرت فرمود :«علموا صبیانکم الصلوه و خذوهم بها اذا بلغوا الحلم» «درکودکی به فرزندانتان نماز راتعلیم دهید و هنگام بلوغ، آنان را به نماز وا دارید(خوانساری، ۱۳۸۴ ص۳۵۳)

روش تکریم

طبق دیدگاه اسلام انسان از کرامت بر خوردار است. بنابراین برخورد با او باید کریمانه و از روی تکریم و احترام باشد. بی احترامی و حرمت شکنی خلاف اصل تربیتی کرامت است. از این روش می‌توان در تمام ساحات تربیتی بخصوص تربیت اعتقادی، عبادی و اخلاقی استفاده کرد. در سیره تربیتی امیر مومنان (ع) به این روش تربیتی توجه گردیده است. داستان ذیل سیره آن حضرت را در این زمینه نشان می‌دهد.

در نهج‌البلاغه آمده است : «در حضور امام‌علی (ع) مردی به دیگری تولد پسرش را این چنین تبریک گفت : «گوارایت باد رزمجویی سوارکار !» آن حضرت از این نوع تبریک گفتن او نهی نمود و تبریک گفتنی این چنین رابه او توصیه نمود : « امید که بخشنده‌اش را سپاسگزار باشی و این عطیه الهی مبارکت‌باد، او به رشد دلپذیر برسد و تونیز ازنیکی و خیرش بهره‌مند شوی(معادیخواه، ۱۳۸۶ص۳۹۰۲).

همانگونه که ملاحظه می‌شود، بر خلاف نگرش رایج که به فرزند بیشتر به عنوان ابزاری برای پاسخگویی به نیاز عاطفی والدین ونیز عضوی برای تامین و خدمت به خانواده و مایه فخر و مباهات والدین نگریسته می‌شود، امام علی (ع) به فرزند بسی فراتر از این نگریسته و آن را عطیه‌ای الهی بر شمرده‌اند که در پرتو توجه و تربیت والدین به رشد کافی رسیده و در

پی نیکوکاری و احسان به‌والـدین بـر مـی‌آیـد. ایـن بـالاترین نـوع تکـریم در فراینـد تربیـت بخصوص تربیت دینی است.

از این سیره استفاده می‌شود که در روش تکریم شرایط سنی مطرح نیست. نوزاد شیر خوار هم مورد تکریم است.

تلقین

از روش‌های دیگری که می‌توان در تربیت فرزندان به کار گرفت، تلقین مثبت بـه خـود و دیگران است. امروزه نیز یکی از روش‌های درمان برخی از بیماری‌ها مانند افسردگی، منفـی نگری، نا امیدی و وسواس، روش تلقین درمانی است کـه نقـش خطیـری در تربیـت دارد بـا توجه به این مهم است که تکرار ۳۱ بار آیه «فبای آلا ربکما تکذبان » در سـوره الـرحمن، و ۱۰ بار آیه «ویل یومئذ المکذبین » در سوره مرسلات و ۸ بار آیه «فاتقوا الله و اطیعون » و ۵ بار آیه «و ما اسالکم علیه من اجر...» در سوره شعرا، نشـان از اهمیـت بـه کـارگیری «روش تلقینی» در تربیت بخصوص تربیت فرزندان دارد حضرت امیر مؤمنان علی «علیـه السـلام» نیز این روش را مورد توجه قرار داده و می فرماید: «اگر بردبار نیستی، خود را همانند بردباران نما زیرا بسیار اندکند کسانی که خود را به گروهـی هماننـد مـی کننـد و یکـی از آنـان نمـی شوند(نهج البلاغه، ترجمه فیض الاسلام، کلام کوتاه ۱۹۸).

نتیجه گیری

تربیت فرزندان بر اساس آموزه های دینی از مهمترین وظایف والدین است وحضرت علی«ع» برای این مهم اهمیت خاصی قایل است و برای تحقق آن روش‌های خاصی را توصیه نموده است. بر اساس آنچه گفته شد، روش‌های تربیتی مانند روش الگویی، موعظه، ابراز محبت وبر خورد مودبانه، روش تلقین و تکریم از اهم روش‌های است که از سیره تربیتی حضرت علی (ع) قابل برداشت است.

کتابنامه

نهج البلاغه

ابن منظور، محمد بن مکرم؛ **لسان العرب**، ج۱۴ بیروت، دار صادر، ۱۴۱۴ق.

ابن فارس، احمد، **معجم مقاییس اللغة**، تحقیق: عبدالسلام هارون، بیروت، دارالجیل، چاپ اول، ۱۴۱۱ق.

ابن فارس، احمد، **معجم مقاییس اللغه**، تحقیق: عبدالسلام محمد هارون، قم، مکتب الاعلام اسلامی، بی تا،

احسانی، محمد، **روش‌های تربیت عاطفی ازمنظر قرآن کریم**، دو فصلنامه یافته‌های مدریت آموزشی دوره ۱ شماره ۱ ۱۴۴۰ق

احمدی، محمدرضا، **نقش صله رحم در بهداشت روانی**، ج۱، ماهنامه معرفت، شماره۴۸، ۱۳۸۰.

امیني، ابراهیم ، **تعلیم وتربیت در اسلام**، انتشارات انجمن اولیاء ومربیان ۱۳۹۶

باقری، خسرو، **نگاهی دوباره به تربیت اسلامی**، انتشارات موسسه فرهنگی مدرسه برهان ج۱، ۱۳۸۶.

بناری، علی همت، **تعامل فقه وتربیت**، انتشارات موسسه آموزشی وپژوهشی امام خمینی ۱۳۸۳.

بهشنی، احمد، اسلام و تربیت کودکان، ج۲، انتشارات موسسه بوستان کتاب ۱۳۹۳.

بیضاوی، عمربن محمد؛ **انوار التنزیل واسرار التأویل**، ج۱ بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۰۸ق.

پناهی، علی احمد، شریفی، احمدحسین، **بایسته‌های اخلاقی همسران و نقش آن در تربیت فرزندان**، ص ۱۱۹-۱۴۲، معرفت اخلاقی، سال اول، ش۱، ۱۳۸۸.

جعفری، محمدتقی، **فلسفه دین**، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی ۱۳۷۵.

جوادی آملی، **شریعت در آیینه معرفت**، تهران، رجاء۱۳۷۳.

حسینی نسب سید داود و علی اصغر اقدم، **فرهنگ واژه‌ها، تعاریف و اصطلاحات تعلیم و تربیت**، تهران ۱۳۶۸

خدا پرست ۱۳۷۶ خداپرستی فرج اللّه ، **فرهنگ جامع واژگان مترادف و متضاد زبان فارسی** ج۱، شیراز، دانش نامه فارسی، ۱۳۷۶.

خطیب، محمد شحات؛ **اصول التربیة الاسلامیة**، ریاض، دارالخریجی، ۱۴۱۵ق.

خوانساری، آقا جمال محمد، **شرح غررالحکم و درر الکم**، تهران، انتشارات دانشگاه تهران ۱۳۸۴.

خوری الشرتونی، سعید؛ **اقرب الموارد فی فصح العربیة و الشوارد**، ج۱، قم، مکتبة آیت الله مرعشی، ۱۴۰۳ق.

دهخدا، علی‌اکبر، **لغت نامه**، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۳.

راغب اصفهانی، حسین بن محمد؛ **المفردات فی غریب القرآن**، بیروت، دارالعلم، ۱۴۰۴ق.

رسولی محلاتی، هاشم، **وصایا الرسول و الائمه (علیهم‌السلام)**با ترجمه فارسی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی ۱۳۸۶

زبیدی محمدمرتضی ، **تاج‌العروس من جواهر القاموس**، ج۲، بی تا جمال‌الدین.

سپاه منصور، مژگان، ودیگران، **ادراک دلبستگی کودکی،دلبستگی بزرگسال ودلبستگی به خدا**، ۱۳۸۷ش شماره ۱۵.

شرتوتی، سعید ، **اقرب الموارد فی فصح العربیه**، تهران، انتشارات اسوه، چاپ اول، ۱۳۷۴ش. ، ج۱،

شکوهی، غلامحسین، **مبانی و اصول آموزش و پرورش**، انتشارات آستان قدس رضوی. ۱۳۸۰.

شهید اول، محمد بن مکی، **ذکری الشیعه فی احکام الشریعه**، ج۴ قم، موسسه آل البیت، ۱۴۱۹ق

صانعی، سید مهدی؛ **پژوهشی در تعلیم و تربیت اسلامی**، مشهد، انتشارات سناباد، ۱۳۷۸ش.

طباطبائي، سید محمد حسین، **المیزان فی تفسیر القرآن**، ترجمه سید محمد باقر موسوي همداني، (قم، دفتر انتشارات اسلامي‌بي‌تا)،

طبرسی، فضل بن حسن؛ **مجمع البیان**، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۱۵ق.

طریحی فخرالدین، **مجمع البحرین**، قم، مؤسسه البعثه، چاپ اول، ۱۴۱۴ق.

فراهیدی خلیل بن احمد ، **العین**، قم، هجرت، بی تا.

فقیهی، علی نقی،**تربیت جنسی**، مبانی،اصول و روش‌ها ازمنظر قرآن وحدیث،چ هفتم، قم،دارالحدیث، ۱۳۹۲.

قرشی ، علی اکبر ، **قاموس قرآن**، ج۵ تهران، انتشارات دار الکتب الاسلامیه، سال ۱۳۷۱هجری

شمسی، چاپ ششم، ۱۳۷۱.

کریمی، **روش‌های مطالعه وتحقیق با تأکید بر کتابخانه**، قم ، مکتب القرآن کریم امور تربیتی آموزش و پرورش ۱۳۷۵.

گاستون میالاره، **معني وحدود علوم تربيتي**، ترجمه، ترجمه علیمحمد کاردان موسسه چاپ وانتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم ۱۳۷۵.

مصطفوی، **التحقیق فی کلمات القرآن الکریم**، ج۸، تهران، انتشارات بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۰

مصطفوی، **التحقیق فی کلمات القرآن الکریم**، تهران، ج۸، انتشارات بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۰.

مطهری، مرتضی؛ **تعلیم و تربیت در اسلام**، چاپ چهل و یکم، تهران، صدرا، ۱۳۸۳ش.

معادیخواه، عبدالمجید، **فرهنگ آفتاب**، فرهنگ تفصیلی مفاهیم نهج البلاغه، تهران ناشر ذره، ۱۳۸۶.

فقهی، علی نقی و همکاران، **دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت و مبانی آن**، ج سوم، قم، سمت چاپ پنجم .۱۳۹۳

نجفی وهمکاران، **سازمان دهی نظام تربیت عاطفی مبتنی بر آموزه های قرآنی** (پژوهشی در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی)، شماره ۲۹،۱۳۹۴).